

"یک پیشخدمت لایق"

مترجم :

Umaru_chan

کاری از تیم :

Flaxen Guys

ویراستار :

F_S_S12



@Flaxen_Guys

کلینر :

Mika Nozen



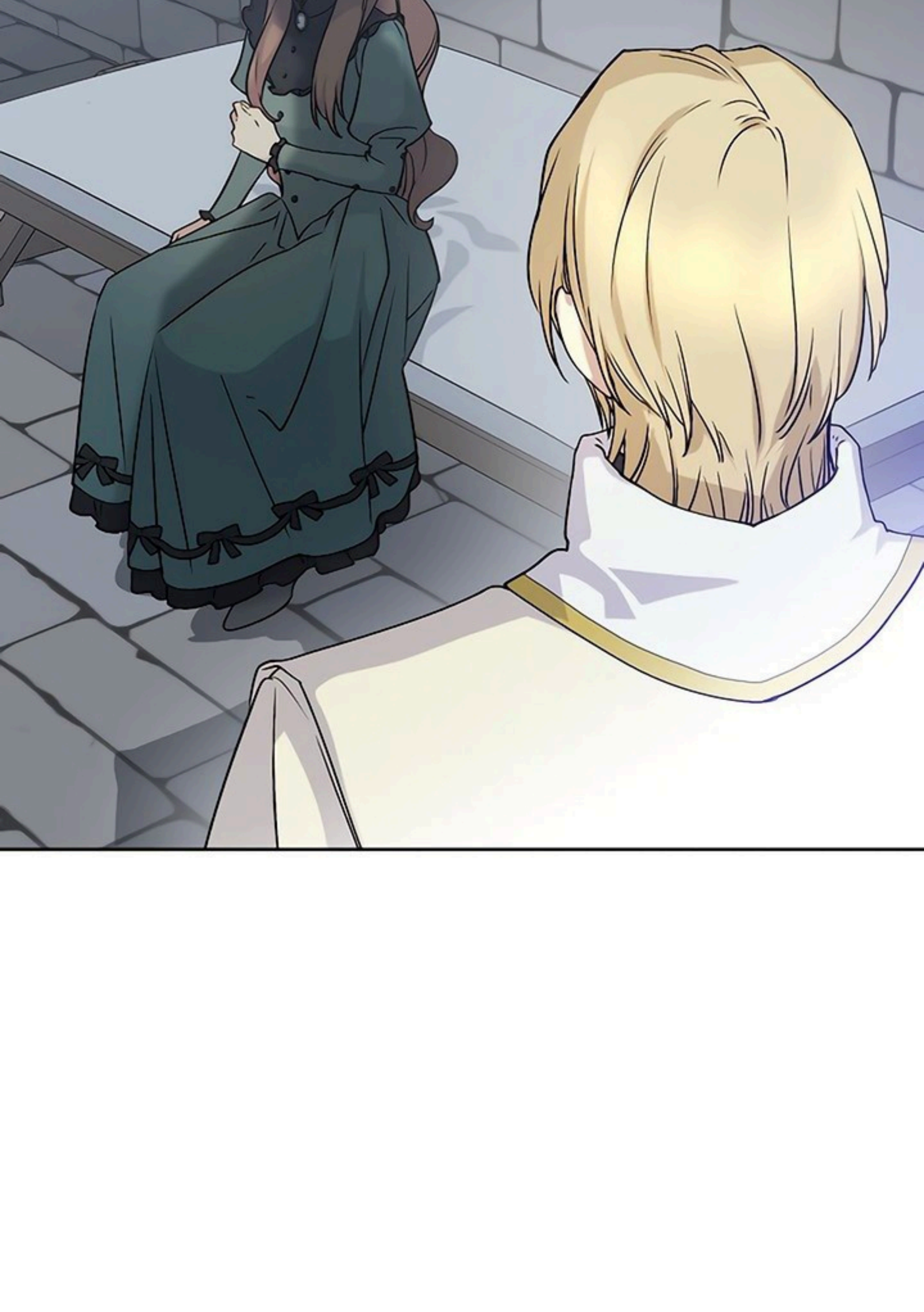
@Flaxen_Guys

تایپیست :

Edward



@FlaxenGuys



عاليجناب ازبقيه
منطقی تره...



قورت دادن

باورچی کنه بلام پاپوش
درست کردن؟

آه فکر کنه من
مقصد بودم، چی؟

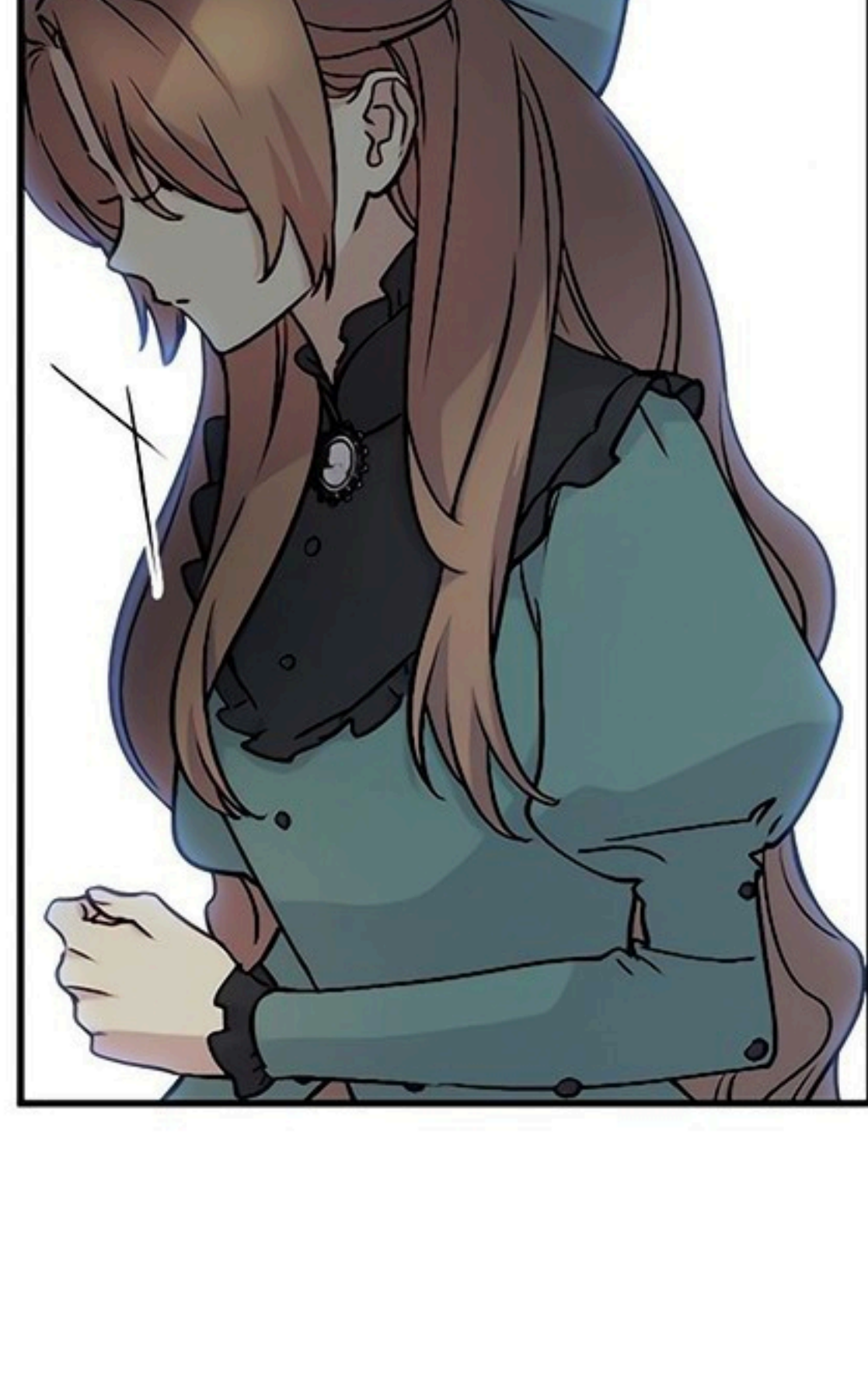


آه اینچوری پشه،



واقعا نامید می شم...

ماری،



صورت
خیلی آب
رفته.

درست غذا
می خوری؟

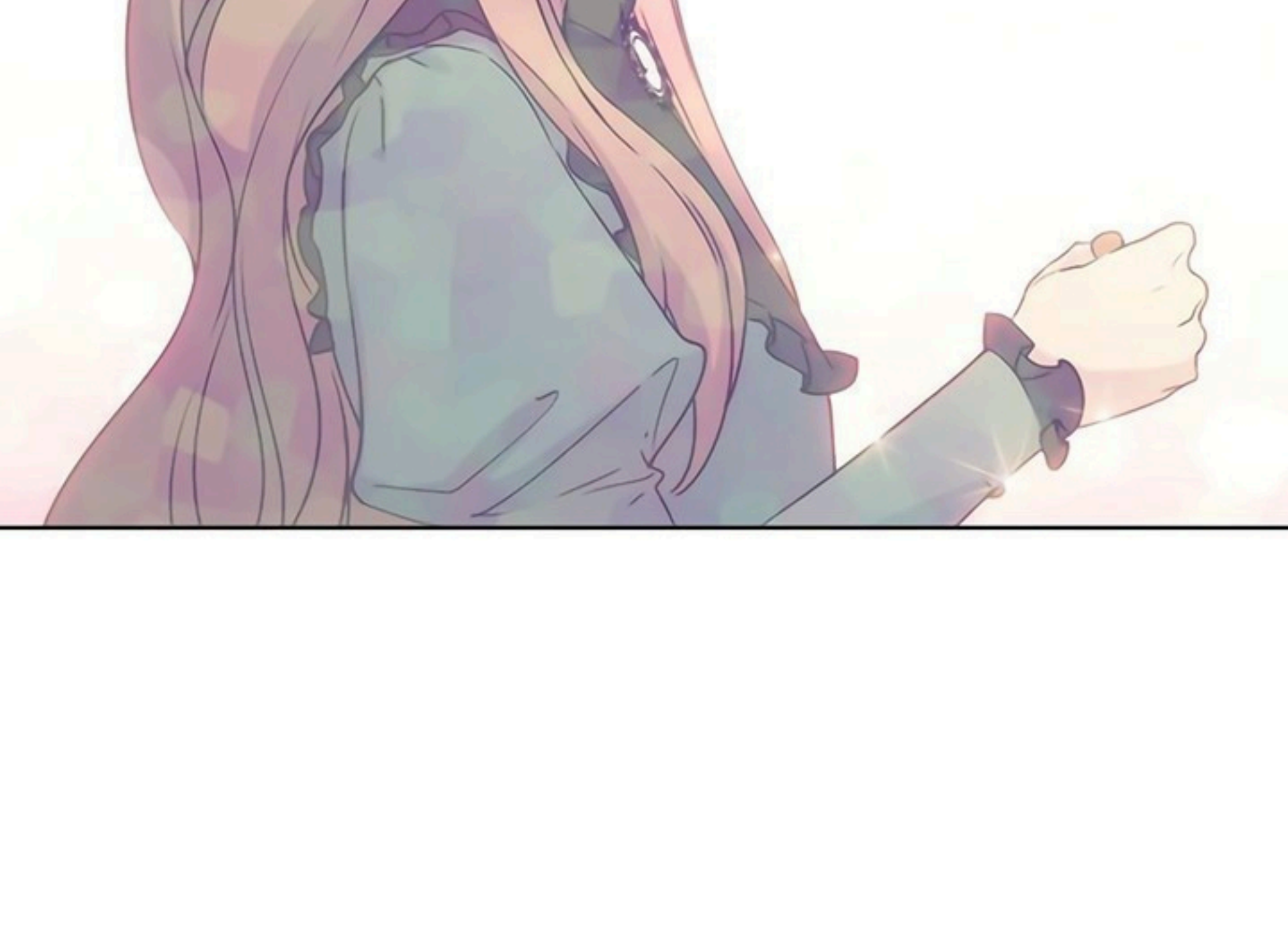
چه جوری
تو به روز انقدر
لاغر شدی؟

حتماً سخته،
اما باید به چیزی
بخوری.

چنگ

من به چیز
سبک آوردم که
بتونی راحت
بخوری.

حتی به
قاشقم خوبه، پس
لطفاً بخورش.



يك پيشخدمت لايق

능력있는 시녀님

طراح: sanho نویسنده: yuin

ماری.

بله،
سرورم.

تی

می‌دونی
که تو شرایط
سختی هستی،
درسته؟

بله،
می‌دونم.

پس یه
درخواستی از شما
دارم، سرورم.

لطفاً
بذارید خودم
بی‌گناهیمو ثابت
کنم.

ماری، من
بخت اعتماد
دارم.

هرچند تو این شرایط هیچ راهی نیست که بی‌گناهیت ثابت بشه.

راهی هست که بشه باهاش مجرم اصلی‌ای که جام مقدسو دزدیده پیدا کرد؟



باید به ترفندای مجرم دقت کنید.

مجرم وارد اتاق شده، جام مقدسو دزدیده، مثل یه موش فرار کرده و مثل جن غیبش زده.

مثل این می‌مونه که از آسمون پیداش شده باشه.

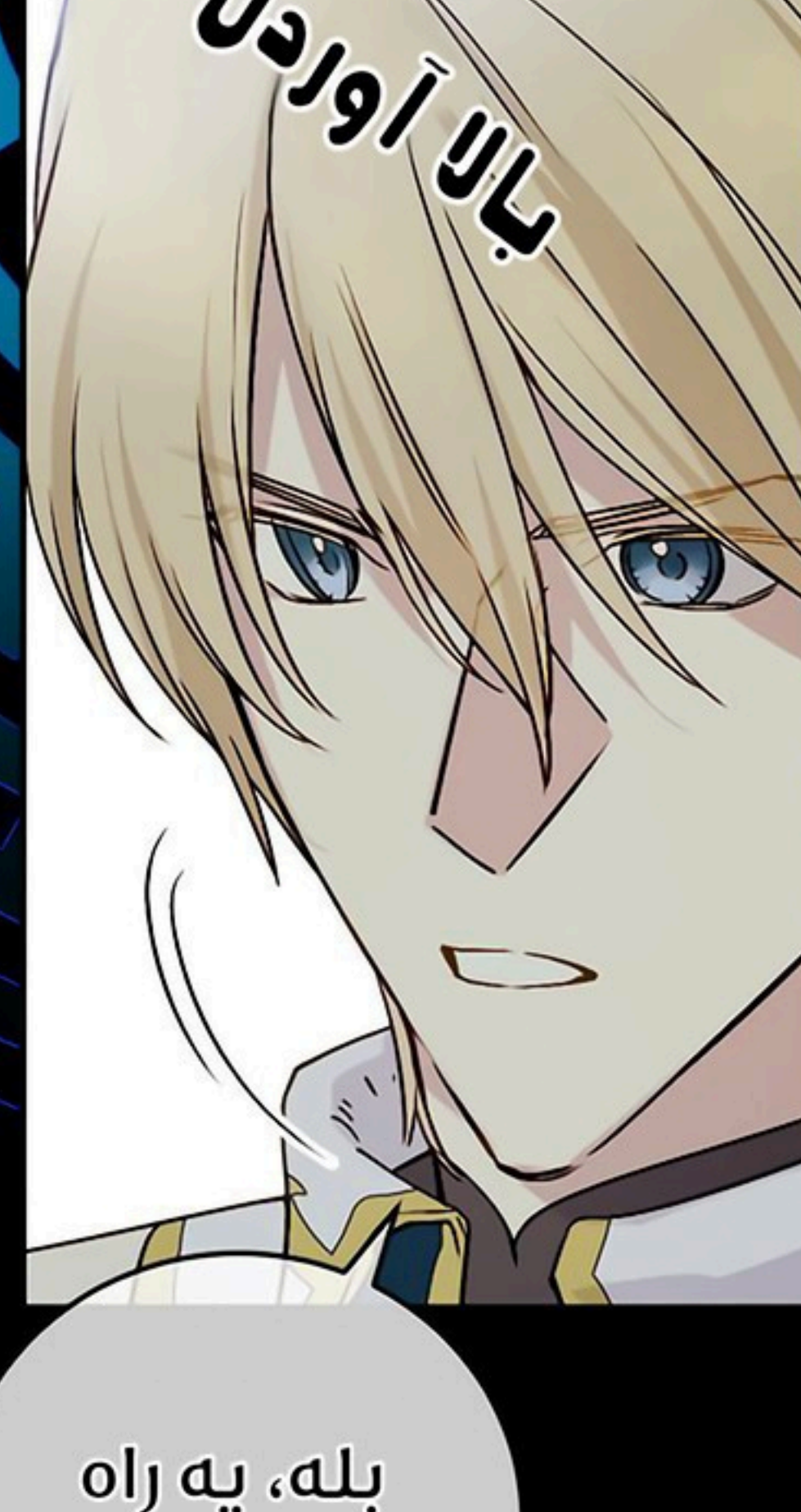
اگه مجرم با جام مقدس از کلیسای جامع خارج می‌شد،



نمی‌تونست از چشم اونهمه نگهبان مخفی بمونه.

اما،

اگه مجرم تونسته باشه بدون اینکه دیده بشه، مستقیم به اون اتاق بره، اونوقت قضیه فرق می‌کنه.



بله، یه راه مخفی.

معمولاً تو قلعه‌های قدیمی یه سری راه مخفی برای وقتی که دشمن نفوذ کنه، ساخته شده.

کلیسای جامع عمرش به سصد سال پیش می‌رسه، پس احتمالش خیلی زیاده که راه مخفی داشته باشه.

اما من حتی نشنیدم
که تو قصر امپراطوری
راه مخفی‌ای وجود
داشته باشه.

حتی نمی‌تونم
بگم وجود داره یا
نه.

اگه بتونید راه
مخفیو پیدا کنید، به
سر نخ خیلی خوب برای
گرفتن مجرمه.

ماری امیدوارم
تو اون کسی باشی
که اونو برای من پیدا
می‌کنه، نه کس
دیگه.

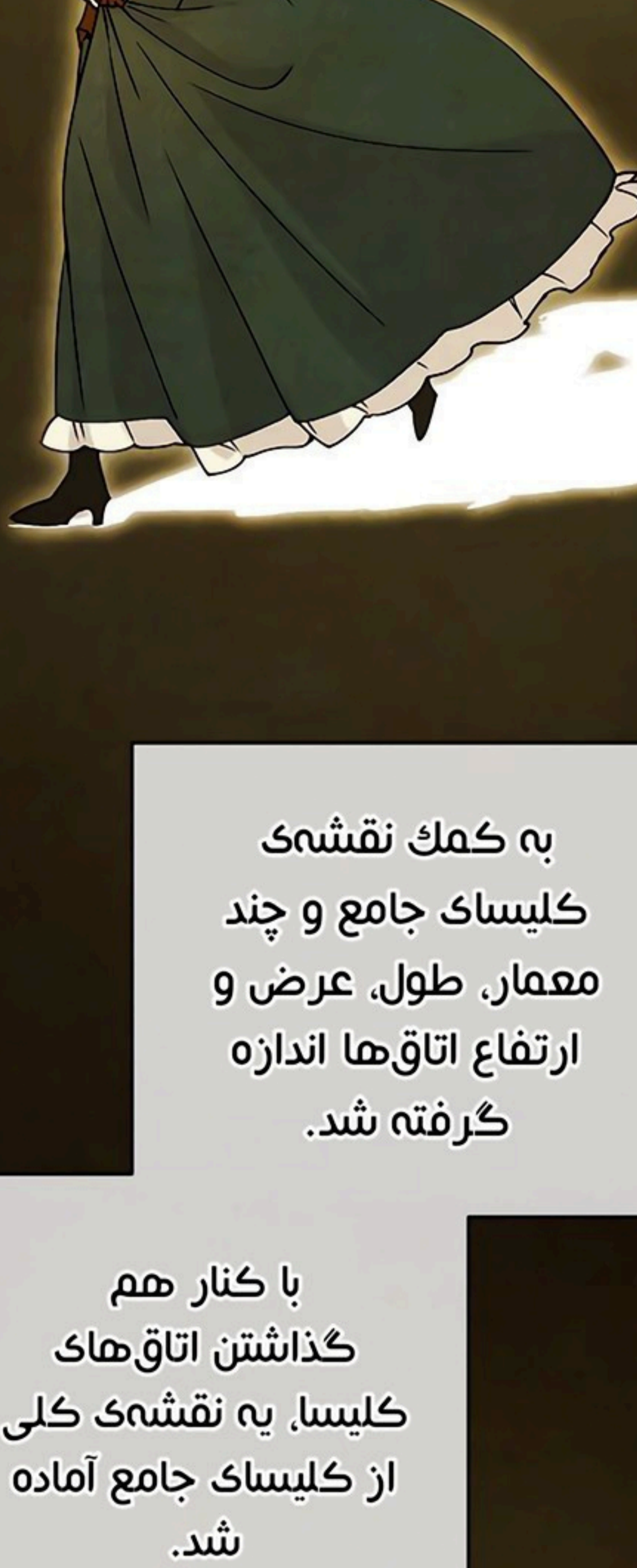
من باور دارم
این کار کاملاً به‌درد تو
می‌خوره. می‌تونم این
کارو انجام بدم؟

... ممنونم،
سرورم. من تمام
سعیمو می‌کنم.

پس همین
الان کارمونو شروع
می‌کنیم.

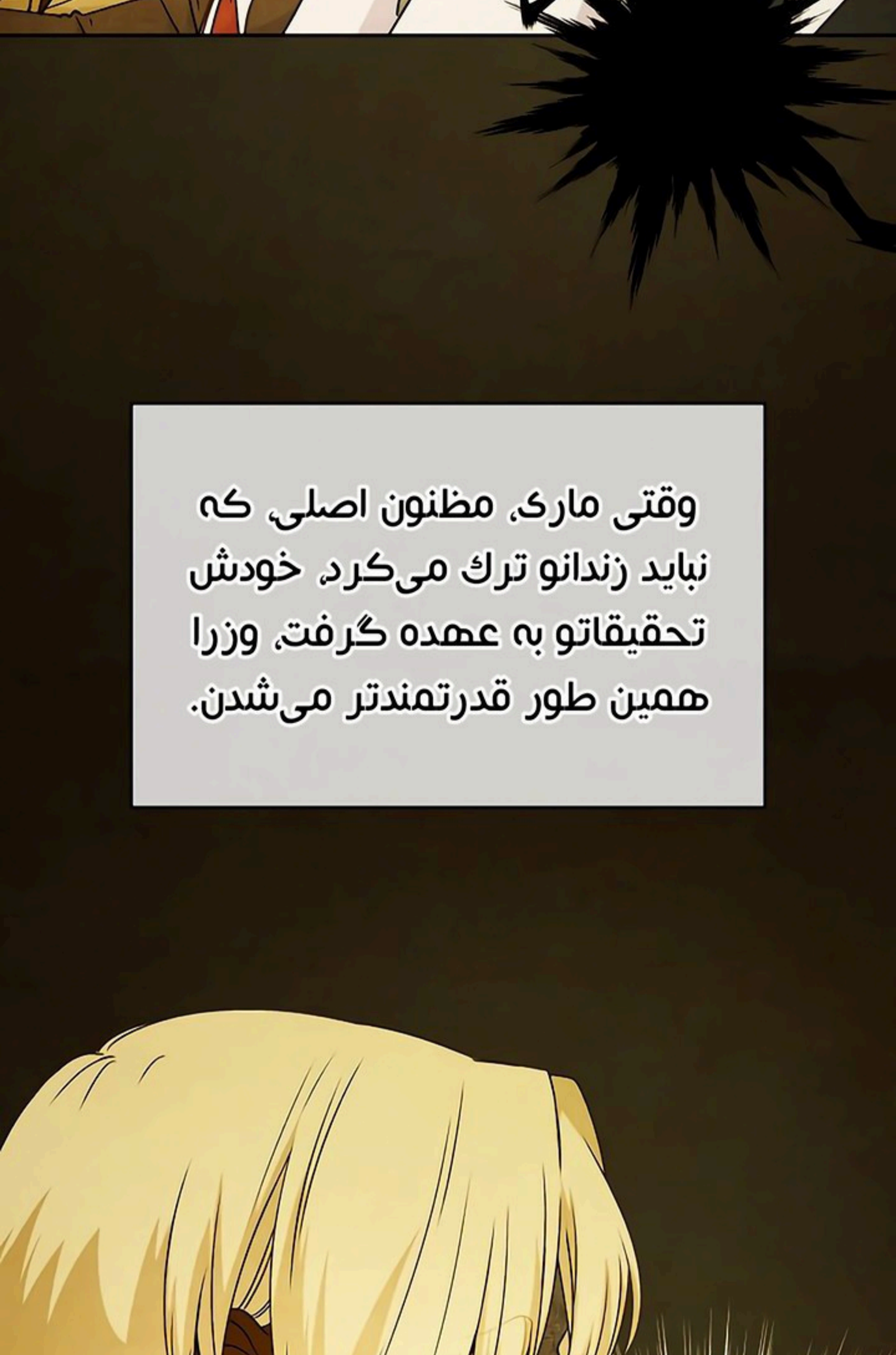
اگه زیاد طول
بکشه، ممکنه مجرم
برای همیشه غیش
بزنه.

روز بعد مارک
مستقیم به سمت
کلیسای مرکزی
رفت.



به کمک نقشه‌ی
کلیسای جامع و چند
معمار، طول، عرض و
ارتفاع اتاق‌ها اندازه
گرفته شد.

با کنار هم
گذاشتن اتاق‌های
کلیسا، به نقشه‌ی کلی
از کلیسای جامع آماده
شد.



وقتی مارک، مظنون اصلی که
نباید زندانو ترک می‌کرد، خودش
تحقیقاتو به عهده گرفت، وزرا
همین طور قدرتمندتر می‌شدن.

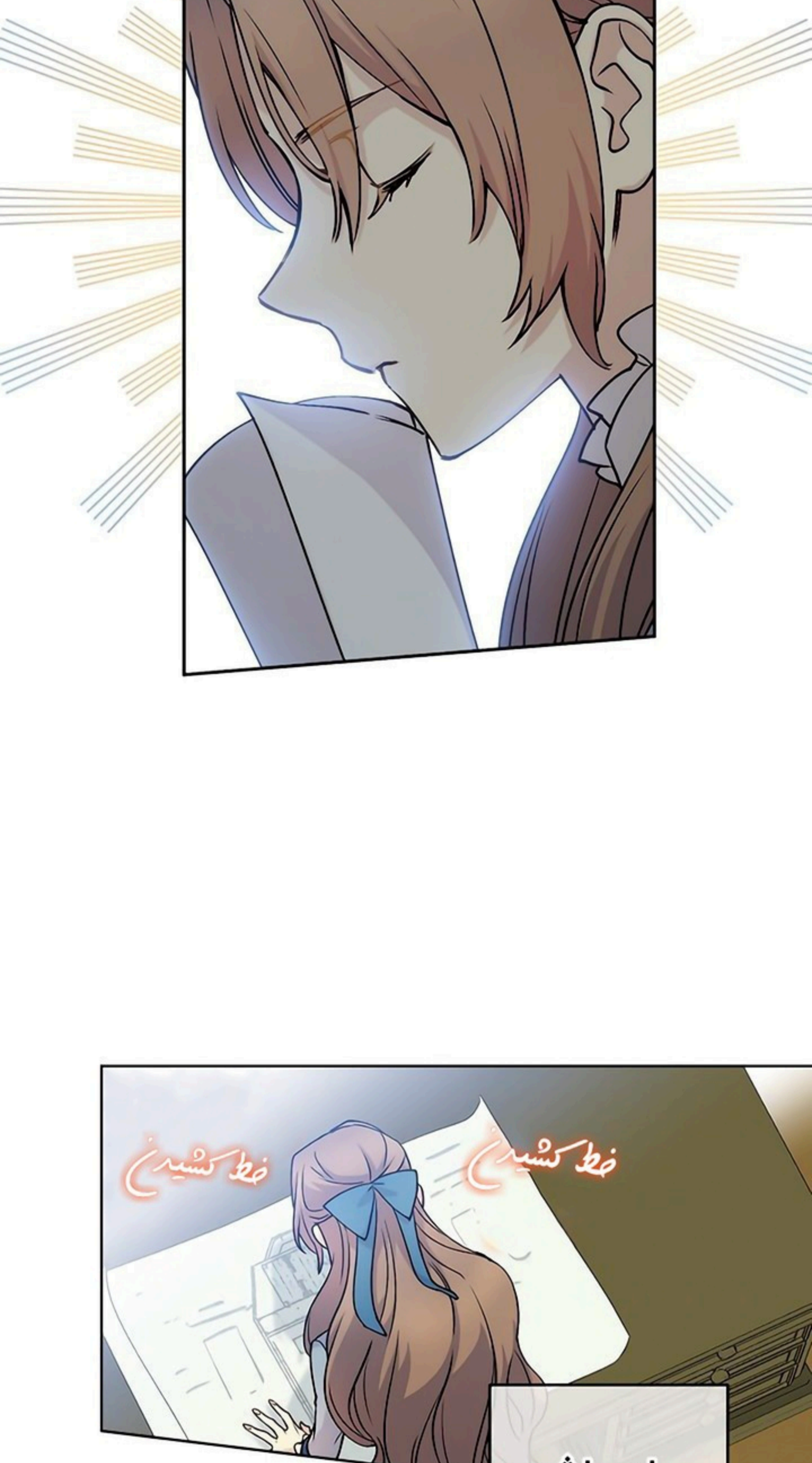


من مسئولیت
همه چیزو قبول
می‌کنم.

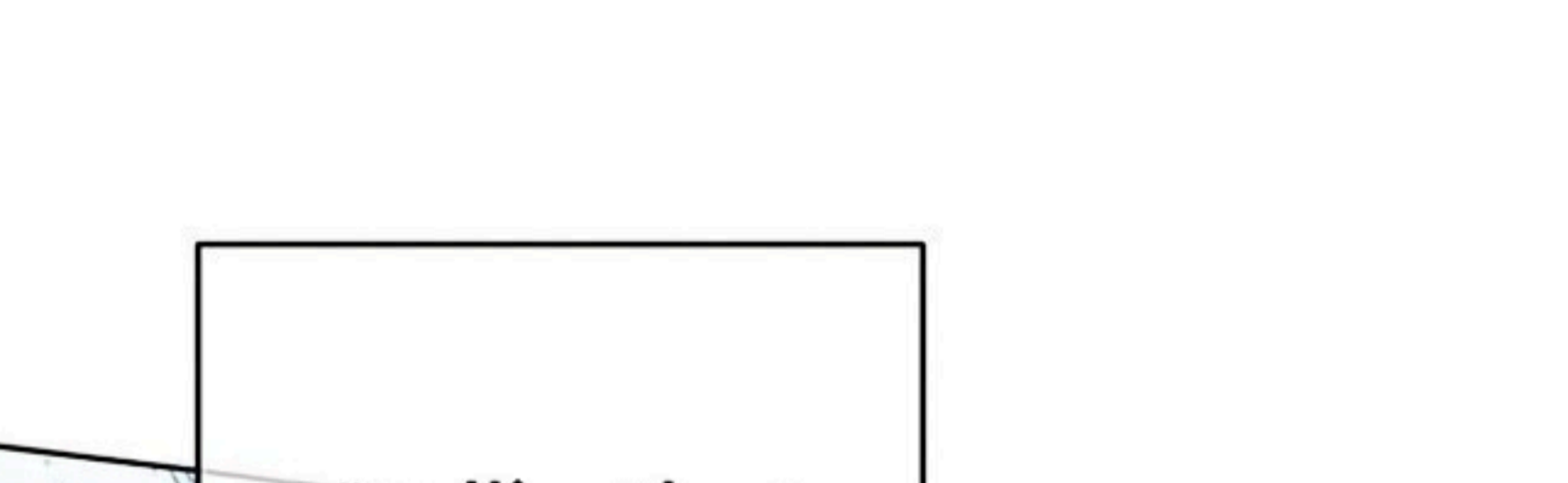
فقط با یہ کلمه‌ی
ولیعهد دهن همه
بسته شد.

من باید مجرمو
بگیرم.

به خاطر خودم
و عالیجناب...!



بیا پیداش
کنیم!

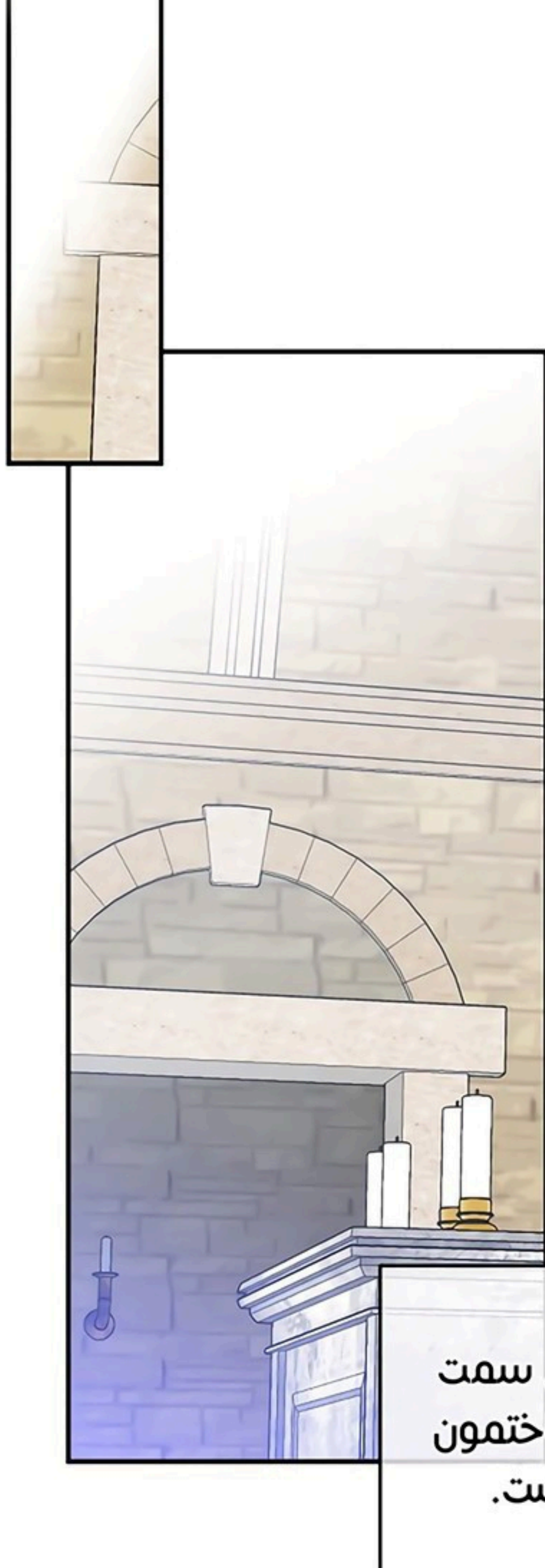


یہ جای خالی تو
نقشه مونده.



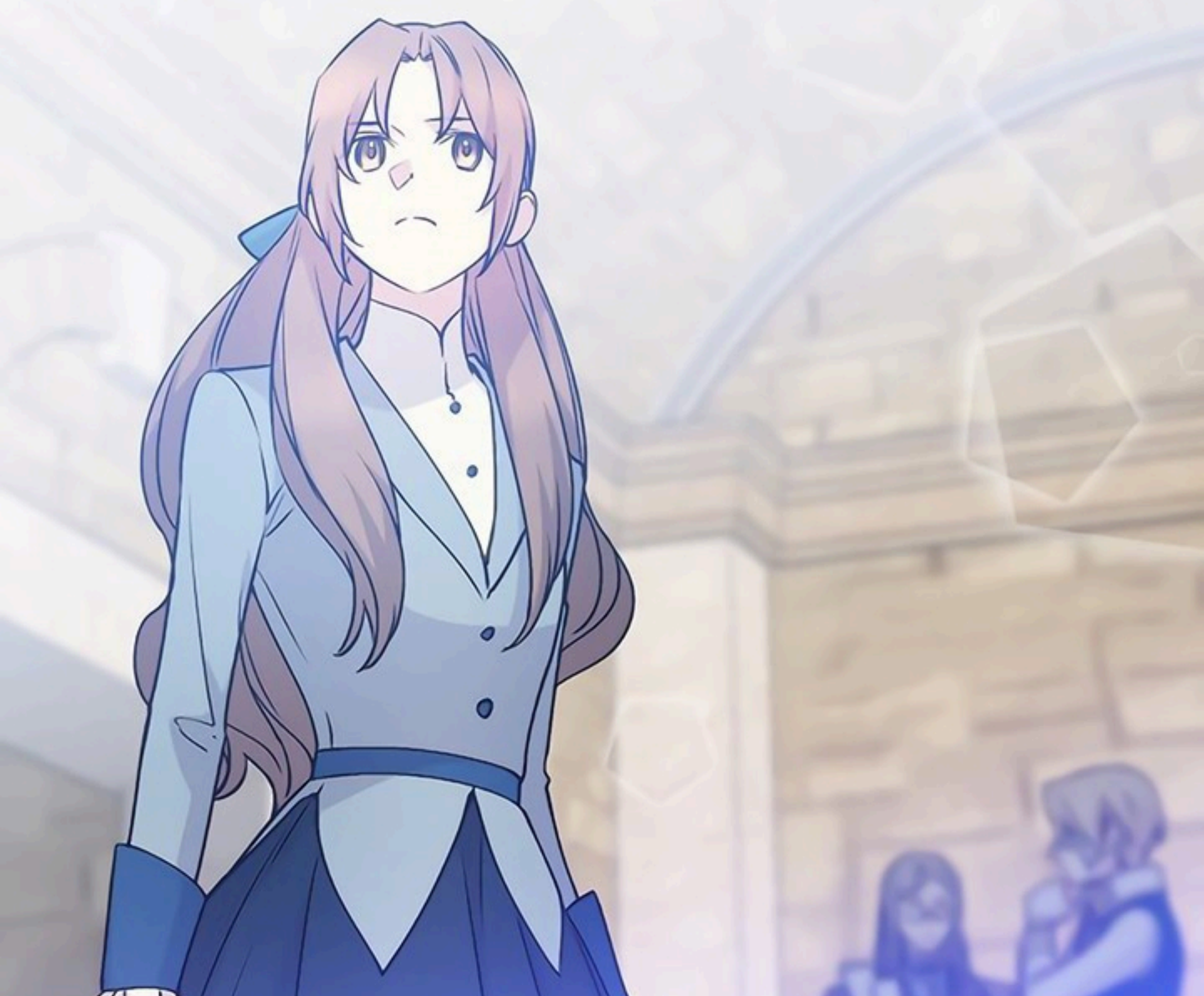
مطمئنم یہ راه
مخفی اونجاست!





یه اتاق سمت
چپ ساختمون
هست.

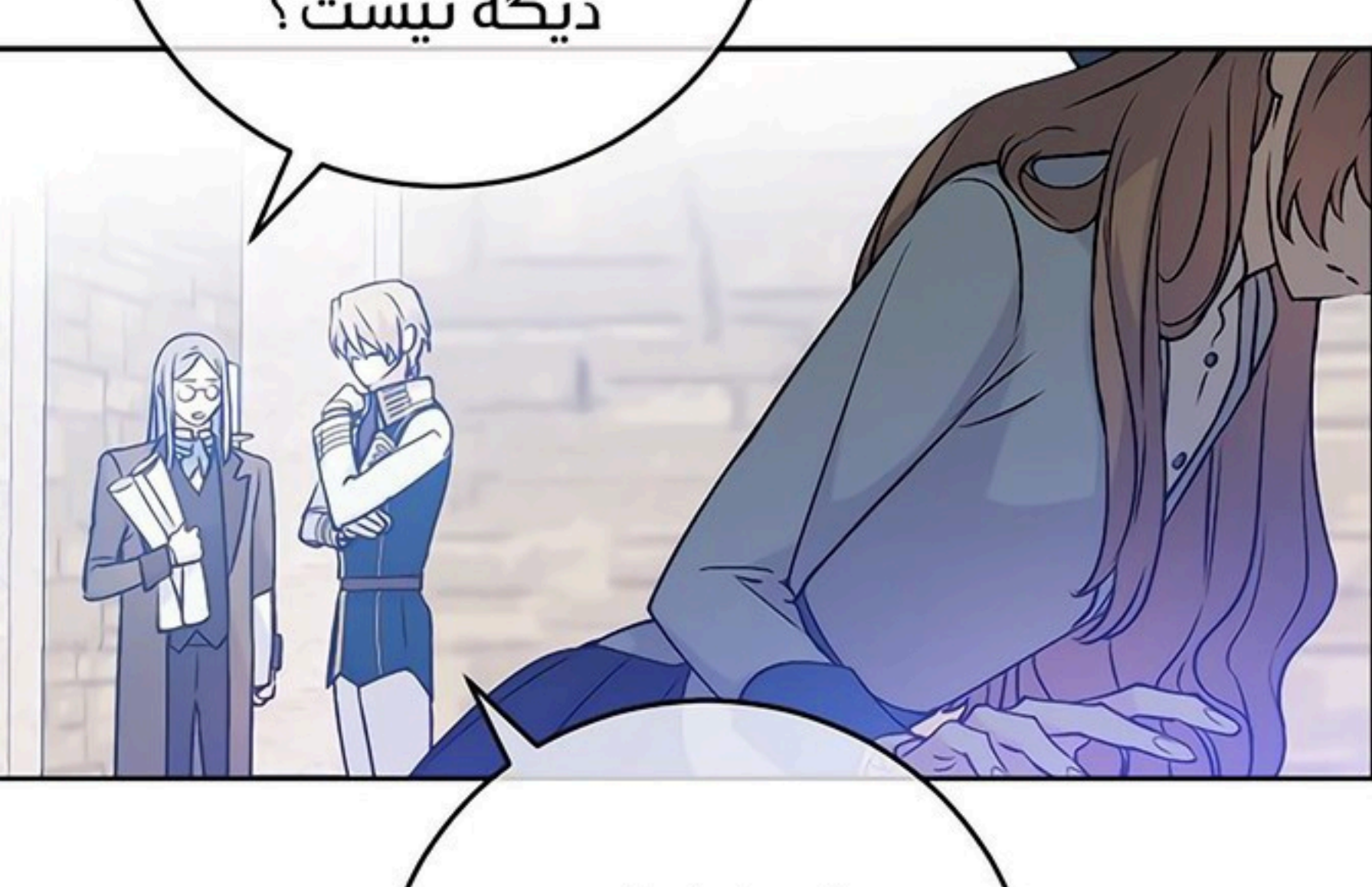
با توجه به نقشه
جای کافی به اندازه‌ی
جا شدن یه آدم اونجا
هست.



اونجا جای
ستونا نیست؟

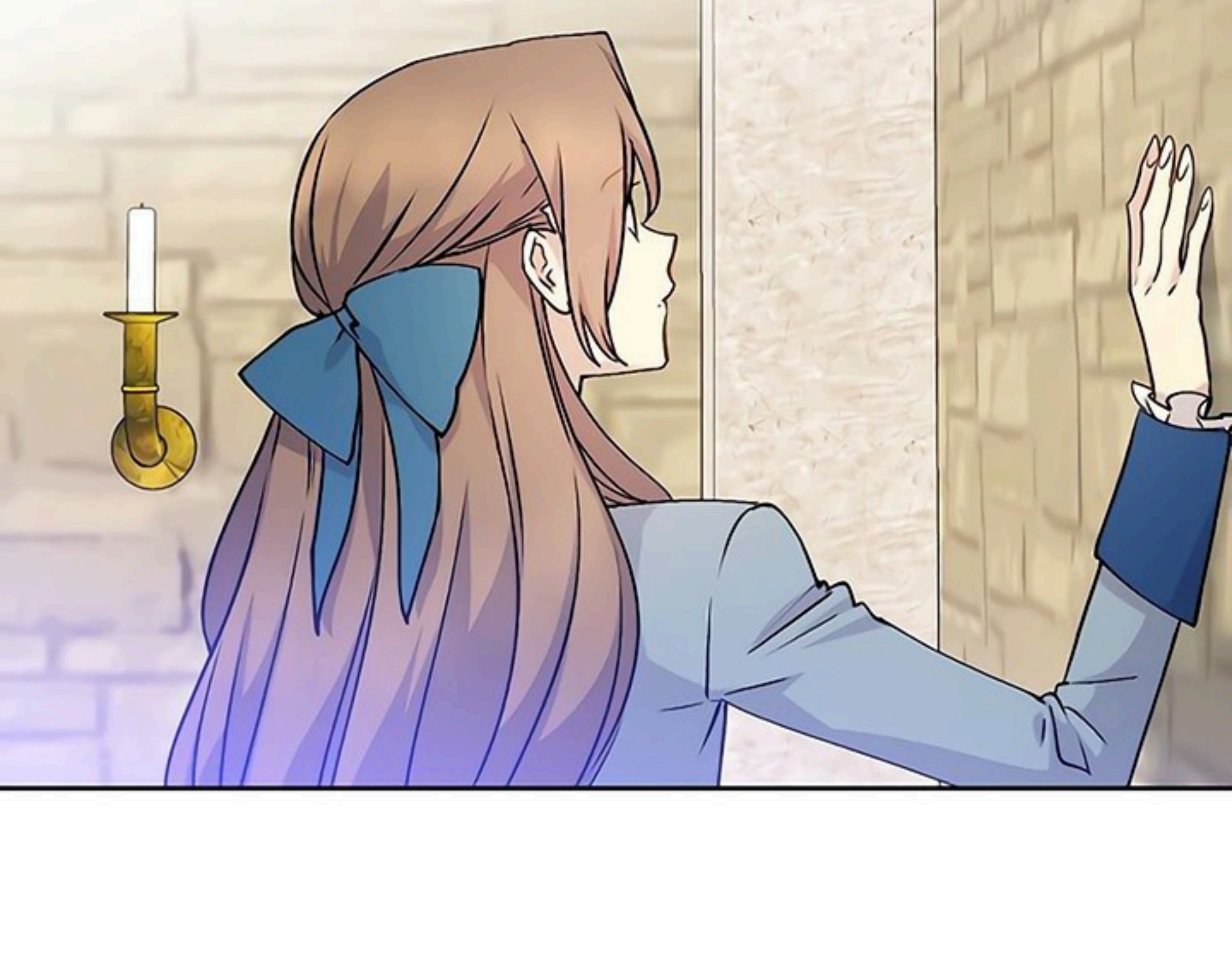


مگه طبق
نقشه اونجا جای
ستونا یا سازه‌های
دیگه نیست؟



که اینطور،
پس یعنی این
راه مخفی‌ه؟

فکر می‌کنم
احتمالاً همین
طوره.



باید به چیزک این
نزدیکیا باشه که
راه مخفیو باز کنه.

معمولاً
جلوک چشم
نمی‌ذارنش.

تق تق

پس باید به جایی
توک اتاق باشه...

نگاه کردن

فقط اون شمعدون
دسته‌ش زنگ زده.

کاشفیدن

انگاره،

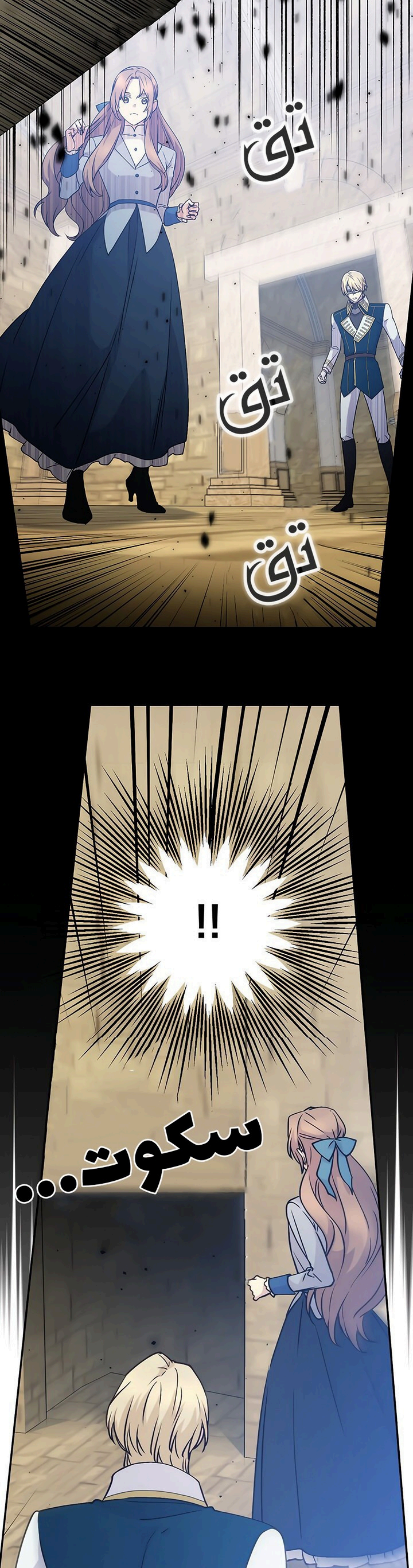
هیلارون،
نباید به اون
دست بزنی...



اَضْرِبْ بِه نَقْر
تَارِيًّا بَعَثْ
دَسْت زَرَه.



ووش

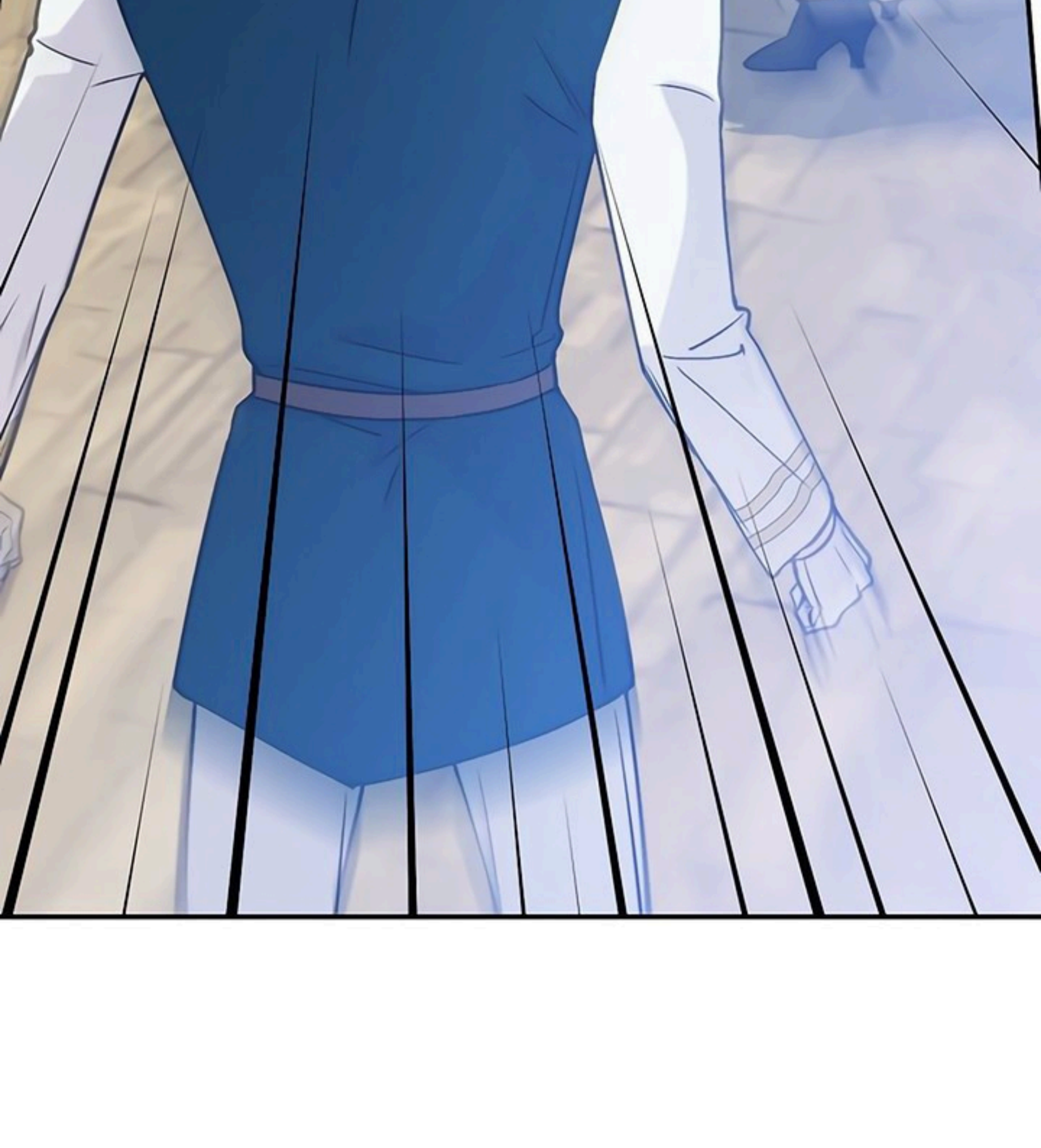


تق

تق

تق

تق



!!

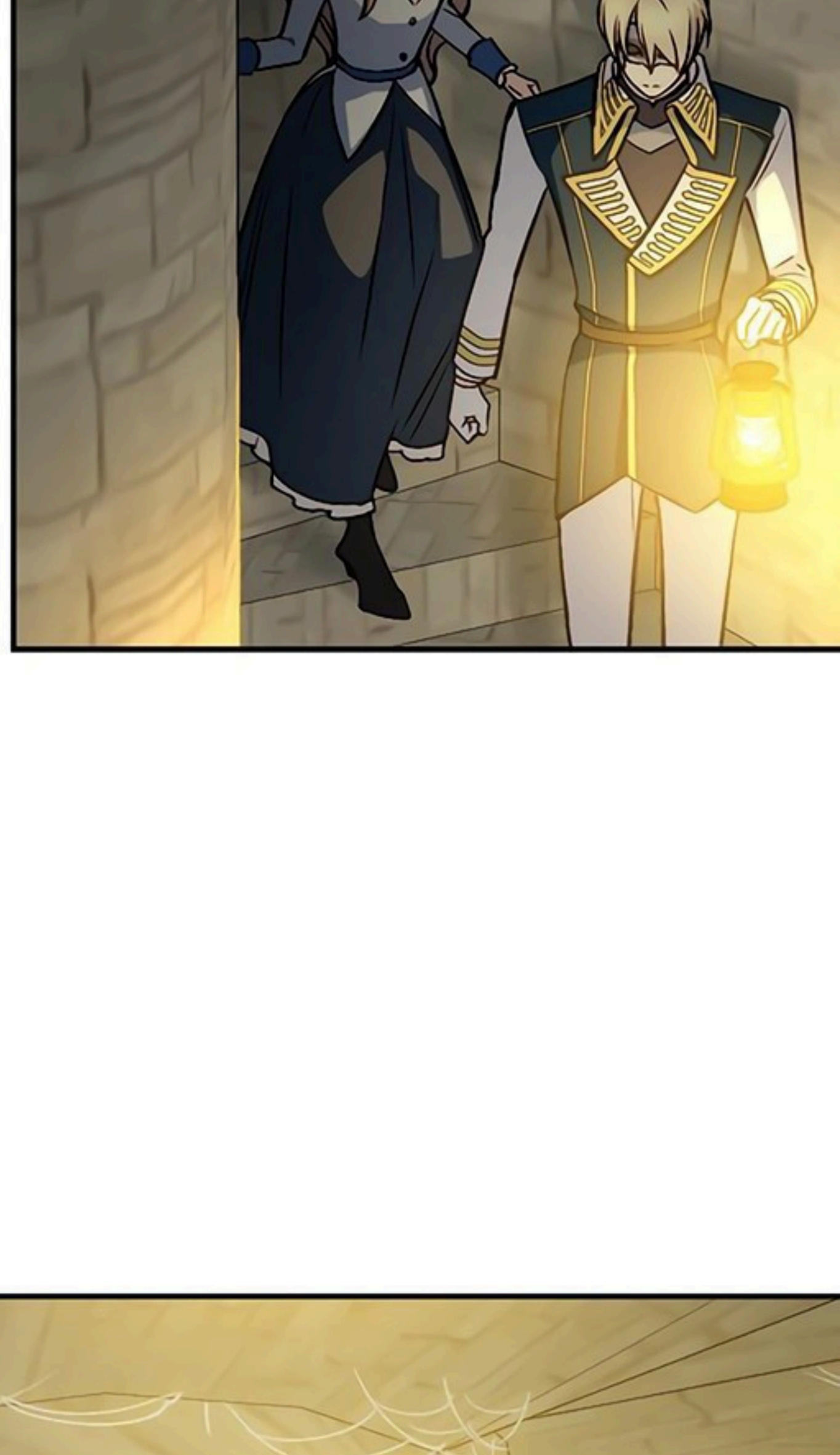
سکوت...



پیداش کردم.



یکم
طولانیه.



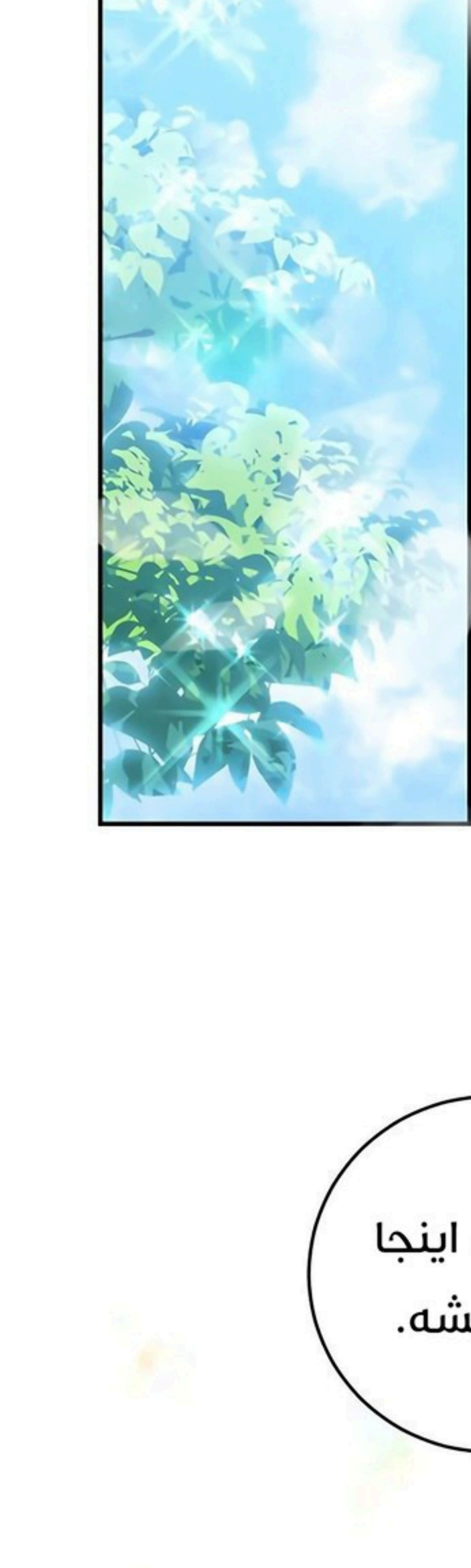
بله و انگار
تازگیا استفاده
شده.



چه جوری
اون مجرم می دونست
چنین جابج وجود
داره؟



از کجی داره کتک
می گیره...؟



سرورم، اینجا
خروجیشه.



حتی فکرشم
نمی کردم.

خروجی راه
مخفی به کلیسای
جامع وصله.

این باغ
کنار قصر
شیره.

همین
بغل گوشمون
بوده.

احتمالاً مجرم این
اطراف مخفی شده و
بین جمعیت فرار
کرده.

درسته،

مجرم همین
اطرافه...

... باید قصر
ستاره رو چک
کنم.

